

هدفمندی ساختمان فعل در منظومه عرفانی گلشن راز

وحید مبارک¹

سحر یوسفی²

چکیده

سادگی و روانی، برجسته‌ترین ویژگی روح بلند آثار عرفانی در زبان فارسی است. هر فعل، مهم‌ترین رکن جمله و پایه آن است که ساختمانی ساده یا غیرساده دارد. بررسی ساختمان فعل در یک اثر، می‌تواند گویای نحوه انتقال مفاهیم آفریننده اثر و حتی دغدغه‌های وی برای برقراری ارتباط مؤثر با مخاطبانش باشد. شبستری در مثنوی گلشن راز، با آمیختن اندیشه‌های عرفانی و فلسفی خود مباحثی نظیر وحدت وجود را مطرح می‌سازد. وی، مبنای کلامش را برای بیان مفاهیم ذهنی و مقصود خود، بر ساختمان فعل‌های ساده به ویژه فعل‌های اسنادی قرار می‌دهد و تا آنجا که بتواند برای سهولت در ارتباطی مؤثر با مخاطب، به این ساختار فعلی پایند است، اما آنجا که مفاهیم پیچیده‌تری را بیان می‌کند، از فعل ساده روی می‌گرداند و از ساختمان فعل پیشوندی یا مرکب بهره می‌گیرد. وی گرایش خود را به عربی‌دانی در پایه فعل‌های مرکب نشان می‌دهد و از افعال پیشوندی برای تحرک بخشیدن و پویایی کلامش استفاده می‌کند. بنابراین در سراسر گلشن راز میان نفس عمل فعل با ساختمان آن، رابطه‌ای منطقی برقرار است که آن را از حوزه عرفان نظری به عرفان عملی هم نزدیک می‌سازد.

واژگان کلیدی: هدفمندی، ساختمان فعل، عرفان و گلشن راز.

1- عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه (استادیار)

Vahid-mobarak@yahoo.com

2- دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد زبان و ادبیات فارسی کرمانشاه

sahar.yosefi69@gmail.com

تاریخ پذیرش

95/2/21

تاریخ دریافت

94/11/30

مقدمه

گلشن راز، اثر شیخ محمود شبستری تبریزی از عارفان مشهور قرن هشتم و از شاعران پارسی‌گوی آن عهد است. وی از مریدان و شاگردان بهاءالدین یعقوب تبریزی است، از این‌رو می‌توان او را از عارفان حوزه عرفان عملی هم به شمار آورد. گلشن راز، مشهورترین اثر شبستری است که در حقیقت نخستین اثر منظوم اوست. شبستری این منظومه را به سال 717 هـ ق در بحر هزج و 993 بیت سرود. او در ضمن این اثر، هفده سؤال امیرحسین هروی را پاسخ داده است.

پژوهشگران، برای زبان فارسی سه دوره را مطرح می‌کنند. دوره نخست را دوره «رشد و تکوین» می‌خوانند: «این دوره از قدیمی‌ترین آثار به‌جامانده فارسی تا اوایل قرن هفتم هجری است. از دوره دوم با عنوان «فارسی دری» یاد می‌شود که همراه با یورش مغولان در ربع اول قرن هفتم هجری است و تا پایان دوره ایلخانی را در برمی‌گیرد. دوره سوم «دوره تحول اخیر» است که از انقراض خاندان صفویه تا استقرار حکومت آقامحمدخان را شامل می‌شود» (ناتل‌خانلری، 1372: 11). این اثر از حیث دوره تاریخی، در دسته دوم قرار می‌گیرد. هرچند اثر دوره نخست نیز ویژگی‌های شهودی دارد که در جای خود بدان اشاره می‌شود.

این نوشتار در پی آن است که کارکرد فعل و انواع آن را از حیث ساختمان و پیوندهای آن با محتوا در گلشن راز به عنوان اثری عرفانی بررسی کند. برای بررسی به بسامد افعال از حیث ساختمان کلمه و رابطه موضوع و محتوا با کاربرد افعال توجه شده است. این پژوهش در پی پاسخ به چرایی و کجایی انواع فعل در منظومه گلشن راز است که قابل تقسیم به پرسش‌های جزئی‌تری است و در این بررسی پی پاسخ بدان هستیم. این پرسش‌ها عبارتند از:

- 1- بسامد افعال ساده، مرکب و پیشوندی (با تکرار و بدون تکرار) در این اثر به چه ترتیب است؟
- 2- آیا سیر جایگزینی فعل مرکب به جای فعل بسیط و پیشوندی در این اثر هم دیده می‌شود؟

3- شاعر کجا و چرا از فعل ساده روی گردان می‌شود و به فعل مرکب یا پیشوندی روی می‌آورد؟

4- آیا این اثر از دیدگاه نوع فعل تنها در حوزه عرفان نظری است؟

تاکنون پیرامون مثنوی عرفانی گلشن راز پژوهش‌های انجام گرفته است از جمله: مهدیه‌السادات مستقیمی (1386) در مقاله «تحلیل مسأله معنا در گلشن راز شبستری» برپایه علم معناشناسی به رابطه الفاظ و معنا در کلام شبستری پرداخته است محمود فضیلت (1387) در «مراتب هستی در گلشن راز شبستری» نظریه وحدت وجود را به شیوه مقایسه‌ای با سرودهای عرفانی دیگر بررسی کرده است. تورج عقدایی (1389) در «جمال-شناسی گلشن راز» به پیوند دیرینه عرفان با زیبایی‌شناسی عناصر خیال‌انگیز کلام پرداخته است؛ اما تاکنون در پژوهشی به بررسی ساختمان فعل‌ها در گلشن راز و چگونگی پیوند گونه افعال با محتوای این اثر عرفانی پرداخته نشده است.

ساختمان فعل در گلشن راز:

مبحث فعل از حیث ساختمان، یکی از بحث‌های دشوار و اختلاف‌انگیز زبان فارسی است: «گروهی از دستوریان و زبان‌شناسان بر این باورند که فعل مرکب در زبان فارسی وجود ندارد. گروهی دیگر وجود آن را بدیهی دانسته و در مورد گونه‌های آن و شیوه‌های تشخیص آن بحث می‌کنند. بحث‌هایی نیز در مورد اینکه استفاده از کدامیک از گونه‌های فعلی نیز بهتر است، صورت می‌گیرد. هر یک از این صاحب نظران دلایل خاص خود را ارائه می‌دهند» (دادفر، 1391: 79).

1. فعل‌های ساده:

از آن‌جا که تفاوت آرا در حوزه ساختمان فعل گسترده است؛ در این بررسی، اساس تعاریف را بر مبنای تعاریف خانلری قرار می‌دهیم. خانلری در تعریف فعل ساده می‌گوید: «بعضی از فعل‌های زبان فارسی تنها از یک ماده ساخته شده است؛ یعنی دارای اجزای جداگانه نیست که بتوان آن‌ها را به جای دیگری به کار برد نظیر آمدن، بستن و افروختن» (ناتل خانلری، 1377: 176).

بدون در نظر گرفتن تکرار فعل‌ها، از 510 فعل، 338 (67%) ساختمانی ساده دارد و از مجموع 1674 فعل که در گلشن راز آمده است، با در نظر گرفتن تکرار فعل‌ها

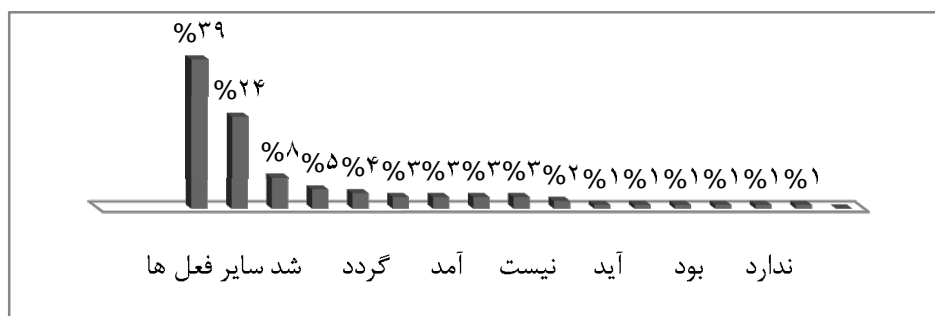
1472 فعل (88%)، فعل ساده است. با وجود آنکه گلشن راز اثری عرفانی است، بن‌مایه‌های تعلیمی-آموزشی نیز دارد؛ از این روی می‌توان آن را از منظر ادبیات تعلیمی هم نگریست. چه این اثر را از جنبه عرفانی آن بنگریم، چه از منظر تعلیمی آن، هدف این اثر زبانی ساده را می‌طلبد. روح زبان ساده، فعلی را با ساختمان ساده اقتضا می‌کند. از طرف دیگر چون زبان عارفان به زبان توده مردم و عوام نزدیک بوده، به تبع ساده هم بوده است؛ زیرا مخاطبان آن از یک سو عامه مردم هستند و از سوی دیگر خواص.

محققان در برخی از موارد فعل ساده را بر گونه‌های دیگر ترجیح می‌دهند و دلایلی برای آن مطرح می‌کنند: «به نظر می‌رسد کاربرد گونه ساده افعال موجب برجسته‌سازی زبان شده و در نهایت به آشنایی‌زدایی منجر می‌شود. بر این اساس، کارکرد این گونه فعل، ساختار آن‌ها و معنایشان با هم متفاوت است» (دادفر، 1391: 79). طباطبایی می‌گوید: «غالب مفاهیمی که در زبان‌هایی مانند انگلیسی و فرانسه با فعل بسیط بیان می‌شود، در فارسی با فعل مرکب بیان می‌شود» (طباطبایی، 20: 1376)؛ مشکوه‌الدینی پیرامون کارکرد انواع ساختمان فعل معتقد است که «فعل‌های مرکب بیشتر در گونه گفتاری به کار می‌روند؛ درحالی‌که برخی از فعل‌های ساده بیشتر کاربرد نوشتاری یا سبکی دارند مثلاً واژه گریستن و جهیدن و جز این‌ها بیشتر در شعر و نثر ادبی به کار می‌رود» (مشکوه‌الدینی، 1391: 135) و در منظومه گلشن راز غلبه با فعل ساده است؛ زیرا «در مرکز اندیشه شبستری، معانی عرفانی قرار دارد و دایره صورت این منظومه هر چند هم گسترش یابد؛ تابع این مرکز باقی می‌ماند به سخن دیگر این منظومه معنا محور است و بر صورت در همه جا غلبه دارد» (عقدایی، 110: 1389).

شرایط مؤثر اجتماعی-روانی مردم برای گسترش عرفان در سطح جامعه موجب شد عرفان که ابتدا جنبه عملی داشت، رفته‌رفته نظری شود؛ اما هیچ‌گاه خصیصه روانی و سادگی‌اش را از دست نداد. بنابراین بسامد فعل‌های ساده در این اثر بسیار چشمگیر است و این امر، از یک سو هم با جنبه عرفانی بودن اثر سازگار است و هم با جنبه تعلیمی بودن‌اش. تنوع فعل‌های گلشن راز خود می‌تواند گواهی قدرت زبانی زبان در این منظومه نه چندان بلند باشد. از آنجا که بررسی تک تک فعل‌ها با توجه به بسامد و تنوع آن‌ها در تعداد صفحاتی محدود نمی‌گنجد، در تحلیل نمونه‌ها به پربسامدترین فعل‌ها بسنده می‌کنیم. پربسامدترین فعل‌های ساده عبارتند از: است، شد، شود، گردد، آمد، نیست، گشت، بود،

گشته و ... که در مجموع روی هم رفته 54% را فعل‌های اسنادی به خود اختصاص می‌دهند و در نمودار فراوانی نمایان شده است.

پربسامدترین فعل‌های ساده



در ابیات آغازین کتاب برخلاف سایر بخش‌ها بسامد و تعداد فعل‌های ساده چندان چشمگیر است؛ زیرا سخن سراینده با توجه به محتوا و موضوع (توحیدیه) و اثبات قدرت سرایندگی-اش، ساختمان پیچیده‌تری را برگزیده است که برای القای مفاهیم خود اقتضا می‌کند؛ اما رفته‌رفته شمار فعل‌های ساده رو به فزونی است.

در مورد بهره از فعل‌های ساده، دلایل متعددی آورده می‌شود و اصلی‌ترین دلیل را «حفظ و کاربرد این افعال برای گرفتن اشتقاق‌های گوناگون از جزء فعلی این افعال به منظور ساخت واژگان تازه مورد نیاز و در نتیجه زایایی زبان می‌دانند» (دادفر، 1391: 88) محدودیت فعل‌های مرکب با تعداد معدودی همکرد، می‌تواند از دلایل برجسته دیگری باشد. (ر.ک: همان: 89) این موضوع، بیانگر آن است که فعل مرکب در ساخت و انتقال معانی محدود است و از سوی دیگر، فعل ساده موجب انتقال راحت معنا می‌شود. شبستری بعد از مقدمه توحیدی‌اش، وارد آموزش مفاهیم عرفانی می‌شود؛ می‌گذارد؛ برای نمونه در شرح مقام جمع از رویکردی تشبیهی با زبانی ساده و فعلی ساده استفاده می‌کند:

مقام دلگشایش جمع جمع است جمال جان‌فزایش جمع جمع است

(شبستری، 1382: 9)

این رویکرد آموزشی تنها به مقدمه ختم نمی‌شود. فعل «است»، در سبب نظم کتاب و در جای جای این اثر، رخ می‌نماید و برای شرح، بسط و گزارش مطلب استفاده می‌شود.

هدفمندی ساختمان فعل در منظومهٔ عرفانی گلشن راز (180-160) 165

کثرت کاربرد این فعل، حاکی از خبری بودن جمله‌هاست که همسوی کاربرد افعال متناسب با موضوع است.

نخست از فکر خویشم در تحیر چه چیز است آنکه گویندش تفکر

(همان: 17)

کاربرد فعل «است» تنها برای شرح و بسط مفاهیم به کار نمی‌رود و همیشه جنبهٔ خبری و توضیحی ندارد. گاه رنگ استفهام به خود می‌گیرد و همراه صفات و ضمایر پرسشی به خصوص در سؤال‌هایی که از جانب هروی مطرح می‌شود، حضور می‌یابد. در نمونه‌ای از کاربردهای استفهام تقریری این فعل، کاربرد خبری آن را نیز مشاهده می‌کنیم:

دویی ثابت شد آنکه این محال است. چه جای انفصال و اتصال است؟

(همان: 13)

نمونه‌ای دیگر از کارکرد استفهامی فعل، در سؤال هروی و جواب شبستری با همین فعل است:

کدامین فکر ما را شرط راه است؟ چرا که طاعت و گاهی گناه است؟
در آلا فکر کردن شرط راه است. ولی در ذات حق، محض گناه است

(همان: 20-21)

کاربرد استفهامی که از فعل «است» در گلشن راز می‌بینیم، از سوی خود شبستری هم وجود دارد:

کدام است آن جهان کاین نیست پیدا که یک روزش بود یکسال اینجا

(همان: 25)

از سوی دیگر استفهام تنها برای استفهام و جواب آن نیست بلکه گاه مفید معنای تقریر است:

در آن موقع که نور حق دلیل است چه جای گفتگوی جبرئیل است؟

(همان: 21)

پیرامون موانع درون‌زبانی زایایی افعال دلایلی مطرح است که عبارتند از: «1- در زبان فارسی فقط فعل‌های ساده یا بسیط هستند که زایایی دارند، یعنی می‌توان از آن‌ها مشتق بدست آورد. 2- در زبان فارسی امروز، دیگر فعل ساده ساخته نمی‌شود، یعنی نمی‌توان به طور عادی از اسم یا صفت فعل ساخت. 3- شمار فعل‌های ساده‌ای که از گذشته به ما رسیده‌اند،

بسیار اندک است. 4- از این شمار اندک نیز فعل‌های ساده بسیاری در حال از بین رفتن و متروک شدن هستند و جای خود را به فعل مرکب می‌دهند. 5- از مصدرهای جعلی فارسی، چه آن‌هایی که از اسم فارسی ساخته شده‌اند، مشتق بدست نمی‌آید» (طباطبایی، 1379: 32). از سوی دیگر شبستری سعی دارد مفاهیم دشوار را با ساده‌ترین زبان ممکن بیان کند؛ با این حال از زیبایی کلام و در عین حال قابل فهم بودنش غافل نیست.

تو چشم عکسی و او نور دیده است
بدیده دیده‌یی را دیده دیده است
(شبستری، 1382: 23)

در این بر نمونه علاوه بر نغمه حروف که به موسیقی کلام نیز جلوه می‌بخشد، آوردن ساختمانی ساده در فعل آن را تا سه بار تکرار می‌کند:

خراباتی شدن از خود رهایی است
خودی کفر است اگر خود پارسایی است
(همان: 85)

پس از «است» پر بسامدترین فعل «شد» است که گاه در معنای رفتن نیز به کار رفته است:

ببین اکنون که کور و کر شبان شد
علوم دین همه بر آسمان شد
(همان: 92)

شبستری گاه این فعل با لحن انذار و هشدار به کار می‌برد:

شد ابلیست امام و در پسی تو
بدو لیکن بدین‌ها کی رسی تو
(همان: 90)

این جاست که مزایایی برای فعل ساده می‌شمارند، به روشنی دیده می‌شود؛ زیرا این فعل‌ها مفاهیم را راحت‌تر انتقال می‌دهد، فضای عاطفی سنگینی را ایجاد نمی‌کند و از طرف دیگر سنجیت فعل با ساختمان آن نیز به کمک رابطه لفظ و محتوا می‌آید. نمونه‌هایی دیگر از سایر فعل‌های ساده پرسامد:

وجود هر یک چون بود واحد
به وحدانیت حق گشت شاهد
(همان: 74)

و یا در نمونه‌ای دیگر همراهی فعل‌های ساده پرسامد را کنار هم می‌بینیم:

بود پا و سر و چشم تو چون دل
شود صافی ز ظلمت صورت گل
(همان: 72)

هدفمندی ساختمان فعل در منظومه عرفانی گلشن راز (180-160) 167

استخدام فعل برای نشان دادن رویکرد تشبیهی، با فعلی پویا و تکرار آن در ابیاتی نظیر این بیت مشهود است:

دماغت آشفته و جان تیره گردد حواست همچو انجم خیره گردد

(همان: 72)

نمونه‌ای دیگر، نشانگر ارتباط تنگاتنگ، دقت در انتخاب و گزینش افعال است که کاربرد فعل‌های ساده پرسیامد را در کنار هم نشان می‌دهد:

پی هر مستی‌ای باشد خماری در این اندیشه دل خون گشت باری

(همان: 73)

شبستری مسائل پیرامون شناخت هستی را با استدلالی همه‌فهم، واژگانی ساده و فعلی ساده برگزار می‌کند. بسامدها نشان می‌دهند محور اصلی در این اثر، فعل‌هایی با ساختمانی ساده است که عرصه را بر فعل مرکب تنگ می‌سازد. در این بین، دو فعل «همی‌گردد» و «همی‌ارزد» را، از جمله ویژگی‌های فعل‌های دوره رشد و تکوین است، در این اثر می‌بینیم که برای بیان استمرار در فعل آمده است:

لغت با اشتقاق و نحو با صرف همی‌گردد همه پیرامن حرف

(همان: 62)

2. ساختمان افعال مرکب:

دکتر خانلری در تعریف فعل مرکب می‌گوید: «دسته‌ای دیگر از فعل‌های فارسی از ترکیب یک اسم یا صفت با یک فعل پدید آمده‌اند؛ اما از مجموع کلمات تنها یک معنی بر می‌آید مانند: شتاب + کردن = شتافتن» (ناتل خانلری، 1377: 177). در منظومه گلشن راز از 510 فعل، 102 (19%) فعل بدون در نظر داشتن تکرار فعل‌ها دارای ساختمانی مرکب است و با در نظر داشتن تکرار آن‌ها، از 1674 فعل 115 (7%) را افعال مرکب در بر می‌گیرد.

1.2. کارکرد پایه‌ها و همکردهای فعل‌های مرکب

همکردهای متفاوتی در ساختمان فعل‌های مرکب گلشن راز می‌بینیم که در نمودار فراوانی ارائه شده است.

نکتهٔ قابل توجه در زمینهٔ کارکرد فعل‌های مرکب می‌بینیم که شبستری گرایش خود را به عربی‌دانی نشان می‌دهد و اغلب پایه‌های این‌گونه از افعال را واژگان عربی می‌آورد. اگر بخواهیم در این زمینه، دسته‌بندی ارائه دهیم، به این صورت است:

الف) پایه‌های عربی در فعل مرکب: اقرار، اشارت، اثبات، ثابت، تصنیف، تفرج، تحصیل، تفکر، تأمل، تجلی، تسویت، تفسیر، تعبیر، تشبیه، تعریف، حاجت، حکم، حراست، حاصل، حل، ختم، خبر، خلاف، خلاص، رعایت، سفر، سؤال، طب، عیان، عبارت، فهم، فراغت، قصد، گذر، گذار، نثار، نظر... این دسته 67% از پایه‌های فعلی در ساختمان فعل‌های مرکب را شامل می‌شوند که می‌تواند نشانگر گرایش شبستری به زبان عربی دانست، با وجودی که وی اغلب گرایش به ساده‌برگزارکردن اندیشه‌اش دارد.

ب) پایه‌های فارسی در فعل مرکب: آغاز، آتش، آهنگ، انجام، اندیشه، تاب، پدید، پای، جنبش، جاروب، جدا، جای، راه، دوان، سر، شام، شب، ناله، ناسپاس... این دسته از پایه‌های فعلی تنها 23% از مجموعه پایه‌ها را به خود اختصاص می‌دهد. اینجاست که غلبه، با زبان عربی است و گرایش شبستری به زبان عربی نمود می‌یابد برای و نشان دادن عربی‌دانی‌اش به کاربرد فعل‌های مرکب با همکردهای عربی تمایل بیشتری نشان می‌دهد که با گرایش و تحصیلات او همسانی دارد؛ این درحالی است که در تمایل خود به فعل‌های ساده، اغلب از فعل‌های اسنادی بهره می‌گیرد.

2.2. تناسب محتوای گلشن راز با ساختمان فعل مرکب:

بحث تناسب محتوا و نفس عملی فعل در ساختمان فعل‌های مرکب نیز مطرح می‌شود. همان‌طور که در جای اثر می‌بینیم، هیچ‌گاه تصاویر بر اندیشه غلبه ندارند؛ زیرا صورت در خدمت بیان محتوای اثر می‌آید و ارتباط تنگاتنگ و متناسبی میان واژگان و موضوع برقرار است. از سوی دیگر عرفان اثر، هر چند در حوزهٔ عرفان نظری جای دارد؛ اما از آنجا که بن‌مایهٔ تعلیمی نیز دارد و بین نفس عمل و انتخاب ساختمان و گونهٔ فعل، هماهنگی و تناسب لازم وجود دارد، خواه این هماهنگی آگاهانه خواه ناآگاهانه باشد، اثر را به عرفان عملی نزدیک می‌کند؛ چنان که در بررسی نمونه‌ها این امر آشکار می‌شود؛ اما در حوزهٔ کارکرد زبان شبستری تنها در این ساختمان فعلی است که زبان عربی غلبه و برتری خود را نشان می‌دهد.

_____ هدفمندی ساختمان فعل در منظومهٔ عرفانی گلشن راز (160-180) 171

می‌شود که شبستری اگر از این خاصیت برای قافیه و ردیف‌سازی استفاده نکند، به گونه‌ای دیگر این ویژگی را به کار ببرد:

نظر کن در معانی سوی غایت لوازم را یکایک کن رعایت

(همان: 77)

که در این نمونه نیز دو فعل مرکب را می‌بینیم که پایه و همکرد نخستین فعل کنار هم در آغاز کلام می‌آید؛ اما در نمونهٔ دوم، همکرد بر پایه مقدم می‌شود تا پایه (رعایت) بتواند با غایت هم‌قافیه قرار بگیرد، باین‌حال معمولاً کارکرد پیشین در قافیه و ردیف‌سازی کاربرد بیشتری دارد نظیر این نمونه:

به وجه خاص از آن تشبیه می‌کن زد دیگر وجه‌ها تنزیه می‌کن

(همان: 77)

در نمونهٔ زیر در فعل «نشانی داده‌اند» که ساختار گونهٔ مرکب واجب و ضروری به نظر می‌آید:

از او هرچه بگفتند از کم و بیش نشانی داده‌اند از دیدهٔ خویش

(همان: 20)

چراکه معادل معنایی دیگری نمی‌توان برای آن به کار برد که از یک سو شکل ساده‌ای داشته باشد و از سوی دیگر مشکل به هم ریختگی وزن را هم نداشته باشد؛ بنابراین شبستری با وجود آن‌که همچنان به زبان فارسی پایبند است، اما این پایبندی دیری نمی‌پاید و جای خود را به واژگان عربی می‌دهد:

به عفت شهوت خود کرده مستور شره همچون خمود از وی شده دور

(همان: 64)

در این نمونه که فعل «مستور کردن» معادل فعل مرکب فارسی «پنهان کردن» است، با وجود آنکه تفاوتی را از لحاظ هجاهای وزنی ایجاد نمی‌کند، فعلی را با پایهٔ واژه‌ای عربی ترجیح می‌دهد؛ زیرا مستور کردن بار معنایی سنگین‌تری را نسبت به پنهان کردن در خود دارد و این فعل به گونهٔ فارسی‌اش به خوبی از عهدهٔ انتقال پیام و رساندن موضوع بر نمی‌آید؛ سراینده فعل مرکب را انتخاب می‌کند و حضور واژگان عربی عفت، شهوت و مستور این مصراع، در کنار هم قابل توجه است؛ اما پس از آنکه می‌تواند ذهن مخاطب را به چالش

بیشتری وادار کند، بار دیگر در کنار واژگانی فارسی و ساختمان فعلی ساده در مصراع دوم به روش ساده‌گویی‌اش روی می‌آورد.

آنچه که در به کار بردن فعل مرکب غالباً معمول است، این است که شبستری هنگامی که فعلی مرکب در بیت می‌آورد، باقی بیت و مصراع‌های بیت‌های پیش و پس با آوردن افعال ساده برگزار می‌کند تا به روانی سیر انتقال موضوع و محتوا را به انجام برساند.

کند از نور حق بر خود تجلی بینی بی‌جهت حق را تعالی

(همان: 72)

در «تجلی کردن» هم می‌بینیم که شبستری برای پایه فعل مرکب خود به واژه‌ای عربی روی می‌آورد، جدا از ضرورت قافیه در اینجا نکته دیگری که باید ذکر شود، این است که تجلی کردن در فعل نمایانند نیز کاربرد دارد؛ اما معمولاً نمایانند فعلی است که بار معنایی‌اش برای امور زمینی و عینی مناسب و سازگارتر است، در حالی که کلمه تجلی، بار معنوی بیشتری را در کلام برای ذهن مخاطب القا می‌کند. از این روست که «مسئله معنا در دیدگاه شبستری، مسئله‌ای است که با ترسیم مجموعه‌ای منظم از زیر ساخت‌های هستی-شناسی، معرفت‌شناسی و حتی زبان‌شناسی می‌توان به آن دست یافت. از سوی دیگر لوازم و پیامدهای مسئله معنا در حیطه‌های فراوانی ظهور می‌کنند؛ ولی شبستری بنا به دلایلی در این میان بر دو حوزه تأویل و تفسیر تأکید کرده است. بنابراین نقطه عطف در گلشن راز طرح مسئله معنا بر اساس مبانی مختلف و لوازم آن است» (مستقیمی، 1386: 72).

در زمینه پایه و همکردهای عربی شبستری به گونه‌ای عمل نمی‌کند که یکسره زبان را در خدمت زبان عربی به کار بگیرد؛ بلکه در پاره‌ای از موارد به زبان فارسی روی می‌آورد که این نیز خود می‌تواند دلایلی داشته باشد:

زحل را جدی و دلو و مشتری باز به قوس و حوت کرد انجام و آغاز

(شبستری، 1382: 31)

دو فعل مرکب در مفهوم متضاد انجام و آغاز که همکرد فعل مرکب دوم به قرینه لفظی حذف می‌کند. هر دو پایه فارسی هستند؛ اما از آنجا که این نمونه‌ها نسبت به پایه‌های عربی در اقلیت هستند؛ در نگاه نخست آن گونه که باید خود را در بافت کلام برجسته نشان نمی‌دهند.

آنچه در در سراسر کلام شبستری در عرصه‌ی واژگان خود را نشان می‌دهد، وفور کلمات عربی هستند. هر چند این واژگان در ظاهر معنای دشواری ندارند و مخاطب را با دشواری در درک معنا روبرو نمی‌کنند؛ اما شبستری در میان انواع فعل، به عنوان مهمترین و اساسی‌ترین رکن هر جمله، با پایبندی به ساختمان ساده آن سبب می‌شود که بافت روان و ساده کلام آسیمی نبیند.

شراب و شمع جام و نور اسری است
ولی شاهد همان آیات کبری است
شراب بی خودی درکش زمانی
مگر از دست خود یابی امانی

(همان: 83)

این نمونه اخیر نیز خود گویای هماهنگی و پیوند میان فعل، نفس فعل، درک مخاطب و تناسب گونه آن، با ماهیت عمل است؛ چنان که در آغاز شرح مسئله را با فعلی ساده در ساختار اسنادی می‌آورد؛ سپس هنگامی که وارد مرحله‌ای از عمل می‌شود و به نسبت مرحله پیشین کمی دشوارتر است، گونه پیشوندی را برمی‌گزیند. در مرحله نهایی فعل مرکب را برای انتقال مقصود خود و رساندن دشواری ماهیت عمل به کار می‌برد. این تناسب و هماهنگی میان موضوع محتوا و ساختمان افعال در جای گلشن راز مشهود است.

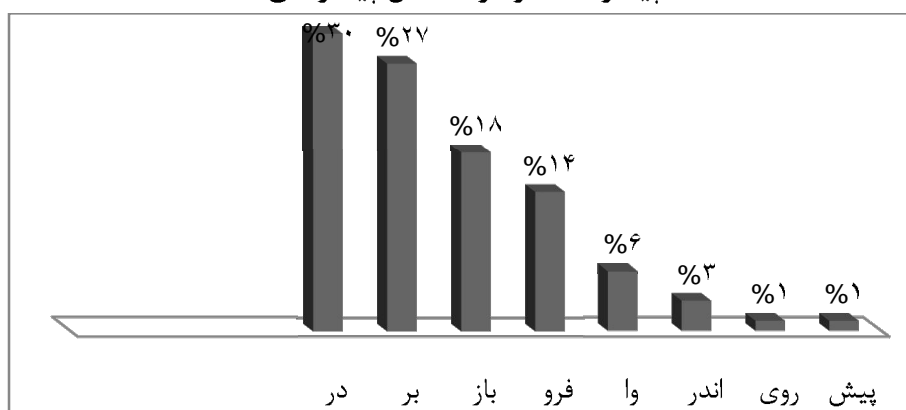
3. فعل‌های پیشوندی

فعل پیشوندی از ترکیب پیشوندها با فعل‌های ساده به وجود می‌آید. خانلری در تعریف فعل پیشوندی می‌گوید «که همیشه پیش از فعل می‌آید و معنی آن از معنی فعلی که تنها شامل ماده اصلی است؛ یعنی ساده است، جداست» (ناتل خانلری، 1377: 176) و اغلب موجب تحول معنایی در فعل می‌شود؛ البته در تمامی موارد این گونه نیست که تغییر معنای فعل حتمی باشد و ممکن است تحول معنایی خاصی را در فعل پیشوندی نداشته باشیم. باین حال «پیشوندهای فارسی دری به تبعیت از فارسی میانه، در اصل حروف اضافه یا مقید بوده‌اند که با پیوستن به افعال، هویت دستوری دیگری پیدا کرده‌اند. در این جایگاه هرچند معانی پیشین در مواردی محفوظ مانده غالباً با تغییرات چشمگیری همراه بوده است» (رضایتی کیشه خاله، 1388: 32) و این فرایند در گلشن راز هم به همین نحو است. در میان 510 فعل غیر تکراری، 70 (14%) فعل پیشوندی را می‌یابیم و با لحاظ داشتن تکرار فعل‌ها از 1674 فعل، 87 (5%) فعل‌ها را به خود اختصاص می‌دهد.

1.2. کارکرد پیشوندها در فعل‌های پیشوندی

پیشوندهایی که در گلشن راز برای ساخت فعل‌های غیرساده و پیشوندی می‌آید، به تربیت بسامدشان در نمودار فراوانی نشان داده شده است.

پیشوندها در گونه افعال پیشوندی



پیش از این گفتیم که از طرفی برخی از پیشوندها در معنای فعل‌ها را تغییر می‌دهند و برخی نیز تغییری در معنای آن ایجاد نمی‌کنند. از این منظر فعل‌های پیشوندی را بر اساس لغت‌نامه دهخدا در گلشن راز دسته‌بندی می‌کنیم:

الف) افعالی که با پیوستن پیشوندها تحول معنایی یافته‌اند: افروختن: شعله‌ور ساختن/ برافروختن: عصبانی شدن/اگر رفتن: تصاحب کردن، برگرفتن: بلند کردن/گرفتن: تصاحب کردن، بازگرفتن: پس گرفتن/خواندن: قرائت کردن، بازخواندن: دوباره خواندن/خواندن: قرائت، برخواندن: تحصیل کردن/گفتن: صحبت کردن، بازگفتن: تکرار سخن/شدن(شدن= رفتن)، باز شدن: برگشتن/آمدن: پیش‌رفتن، برآمدن: بالا رفتن/آوردن: به مقصد رساندن، در آوردن: بیرون آوردن/شدن: رفتن، در شدن: داخل شدن/داشتن: مالک چیزی بودن، واداشتن: مجبور کردن/ماندن: توقف و درنگ، واماندن: خستگی و ملول شدن/آشامیدن: نوشیدن، در آشامیدن: به یکباره نوشیدن.

ب) فعل‌هایی که باوجود پیشوند، تحول معنایی نیافته‌اند: آمیختن= درآمیختن/باختن= درباختن/باریدن=فروباریدن/پیچیدن: فروپیچیدن/رهاندن: وارهاندن/خیزد= برخیزد/

هدفمندی ساختمان فعل در منظومه عرفانی گلشن راز (180-160) 175

بستن = در بستن / رسیدن = در رسیدن / گفتن = برگفتن / گذشتن = در گذشتن / ماندن = فرو ماندن. (ر.ک دهخدا مدخل ذیل افعال ذکر شده)

نکات قابل توجه در این دسته‌بندی، نخست آن است که فعل پیشوندی «فروپیشیدن» در مدخل دهخدا و سایر مدخل‌ها یافت نشد و دیگر آنکه در گلش راز، پیشوند «وا» به جای «باز» در فعل «رهاندن» ترجیح داده شده است.

2.2. تناسب محتوای گلشن راز با ساختمان فعل مرکب:

شادروان بهار در سبک‌شناسی خود معتقد هستند که کثرت فعل‌های مرکب باعث شده که کارکردهای گونه پیشوندی از دست برود؛ اما چنان که می‌بینیم فعل‌های پیشوندی هر چند به نسبت فعل‌های مرکب کمتر هستند، باز هم با تصویرسازی، تحرک و پویایی خود در خدمت محتوای اثر آمده‌اند. مسأله تناسب موضوع و محتوا حتی در فعل‌های پیشوندی هم مصداق دارد نظیر:

حدیث گنت کنزاً را فروخوان
که ناپیدا ببینی ستر پنهان
(شبستری، 1382: 23)

شاعر در این بیت، عمل قرائت را با فعل پیشوندی آورده است؛ چون خواندن، عملی سطحی است، مخاطب را دعوت می‌کند که با عمق و تأمل بیشتری این کار را انجام دهد؛ از این روست که بار معنایی فعل با هدف سراینده انطباق یافته است و در ساختار پیشوندی نمود پیدا می‌کند و ساختمان آن را تغییر داده است؛ زیرا شاعر برای خواندن این حدیث بدون تأمل دستور و فرمانی نمی‌دهد.

در آشامیده هستی را به یک بار
فراغت یافته ز انکار و اقرار
(همان: 85)

هنگامی که مفاهیم پیچیده‌تر می‌شوند، بر روی انتخاب فعل‌های شاعر نیز تأثیر می‌گذارد. در «در آشامیدن» هستی را به یک بار، گویی کسی، جام معرفت هستی را بخواهد به یکبار بنوشد. در مقابل فعل آشامیدن که این عمل را جرعه‌جرعه تصویر می‌کند کاری به نسبت دشوارتر انجام داده است. از این رو وقفه‌ای را که در آشامیدن در ادای فعل آورده می‌شود؛ از سوی دیگر در این بیت قید «یک بار» آن را جبران می‌کند.

جو تو بیرون شوی او اندر آید

به تو بی تو جمال خود نماید

(همان: 46)

همانطور که پیش از این هم گفته شد، شبستری برای آموزش مفاهیم عرفانی سادگی و پیچیدگی مفهوم را برای مخاطب، در نظر دارد بسته به اینکه مخاطب در چه مرحله‌ای از تعلیم قرار دارد، سطح فکری او را در گزینش افعال برای تأثیر کلام خود محل توجه قرار می‌دهد:

نبودی تو که فعلت برگزیدند

ترا از بهر هر کار برگزیدند

(همان: 59)

در این مثال هم می‌بینیم که پس از یک عمل ساده، عملی به نسبت پیچیده‌تر می‌آید. عدم برای انسان و آفرینش برای خداوند هر دو عملی ساده هستند و اینجا برگزیدن از سوی خداوند با فعلی حرکتی می‌آورد؛ چرا که گوهر انسان بر آن بناست و برای رسیدن به این مقصد باید پویا نیز باشد و هدف آفرینش بر آن قرار است. اصل کمال در بودن نیست، در شدن است؛ از این رو ست که از عدم به هستی بالا کشیدن را در فعلی حرکتی همچون اصل پویایش بیان می‌کند و ایستایی و رکود با کمال رابطه‌ای معکوس دارند:

برو خانه دل فروروب

مهیا کن مقام و جای محبوب

(همان: 46)

در اینجا تناسب بین اجزاء و محتوای فعل‌ها به خوبی مشهود است. هر سه فعل برو، فروروب و مهیا کن به ترتیب دشواری فعل‌ها در ساختمان ساده (برو) سپس پیشوندی (فروروب) و در نهایت با فعل مرکب (مهیا کن) آمده است.

اگر یک لحظه را برگیری از جای

خلل یابد همه عالم سرا پای

(همان: 25)

در نمونه بالا می‌بینیم که فعل پیشوندی برگرفتن، آمده است؛ اما نسبت به نمونه قبلی (فرو رفتن) میزان تحرک بیشتری می‌طلبد و یا در نمونه‌ای دیگر می‌بینیم شاعر به مسئله «غفلت» توجه دارد و متناسب با اجزای کلام، لحن خیزشی‌تری را برای فعلی پویا و پرتحرک (برآور) انتخاب می‌کند و گونه پیشوندی با این ساختار هماهنگی بیشتری دارد و پس از آن در مصرع بعدی با آوردن «بنیوش» مخاطب را به گوش سپردنی از بن جان امر می‌کند:

برآور پنبه پندارت از گوش ندای واحد القهار بنیوش

(همان: 50)

دقت در انتخاب فعلی که پیشوند آن مفهوم تکرار عملی می‌دهد، مقصود بازبینی و تحول نگرش است:

میان جسم و جان بنگر چه فرق است که این را غرب گیری و آن چو شرق است
از این جا بازدان احوال و اعمال به نسبت با علوم قال با حال

(همان: 63)

پس از آنکه افعال ساده «است» در قالب تکرار، برای ذکر تفاوت میان جسم و جان آمده است، تفاوت‌ها را ملموس‌تر سازد. پس از مرتبه شناخت نخست که با فعل «بنگر» آمده است، در مرتبه دوم مخاطب را به بازشناسی دعوت می‌کند و فعل پیشوندی «بازدان» بیانگر این مفهوم است. یا در نمونه‌ای دیگر می‌بینیم که شاعر به مراحل دعوت نیز توجه دارد، شبستری اینکه در چه مرحله‌ای از دعوت و فراخوانی مخاطب قرار دارد، فعل را متناسب با آن انتخاب می‌کند:

حنیفی شو ز قید هر مذاهب در آ در دیر دین مانند راهب

(همان: 96)

در مرحله نخست دعوت، شبستری از تغییر سخن می‌گوید (حنیفی شدن) که این تغییر را در قالب فعل امر می‌آورد و پس از آن فعل پیشوندی و حرکتی «در آ» با عمق بیشتری بین اجزاء، افعال و مفاهیم تناسب برقرار می‌سازد.

نتیجه‌گیری:

گلشن راز، اثری عرفانی است که بن‌مایه‌های آموزشی و تعلیمی نیز دارد. با بررسی ساختمان انواع فعل، این نتیجه بدست می‌آید که بسامد فعل‌ها در این منظومه بدون در نظر گرفتن تکرار آن‌ها، به ترتیب ساده، مرکب و پیشوندی است که با در نظر گرفتن تکرار باز هم همین ترتیب را حفظ می‌کنند.

در سراسر این منظومه هدفمندی فعل‌ها با نوع ساختمان آن، به چشم می‌خورد. در ادبیات آغازین برخلاف سایر بخش‌ها، فعل‌های مرکب و پیشوندی چشمگیر است که از یک طرف اقتضای بافت کلام است و از طرف دیگر شبستری قدرت کلامی خود را نشان می‌دهد؛ اما

هنگامی که وارد عرصهٔ تعلیم مفاهیم عرفانی می‌شود، رعایت حال و درک مخاطب را اساس قرار می‌دهد. از این رو شمار فعل‌های ساده رو به فزونی می‌رود. شبستری برای انتقال راحت‌تر مفاهیم، به‌ویژه هنگامی که به شرح و بسط مطالب می‌پردازد، از ساختمان فعل ساده استفاده می‌کند؛ زیرا انتخاب فعل ساده در گلشن راز، بستری را برای زایایی زبان فراهم می‌کند و از سویی هم با بن‌مایه‌های تعلیمی و عرفانی‌اش هم از نظر محتوایی سازگار است. تنوع و گستردگی فعل‌های ساده خود می‌تواند دلیلی برای کهن‌گرایی زبان شبستری در کنار گرایش وی به زبان و واژگان عربی باشد. با وجود غلبهٔ کاربرد واژگان عربی در گلشن راز، شاهد بسامد بالای استفاده از افعال بسیط هستیم که دیدگاه تقلیل افعال بسیط به دلیل غلبهٔ زبان عربی را مردود یا حداقل کم اثر می‌سازد.

سراینده هنگامی که در پی انتقال مفهومی پیچیده باشد، ساختار پیچیده‌تری را انتخاب می‌کند که متناسب با نفس فعل است؛ هر چند تا آنجا که بتواند برای درک مخاطب، به سهولت مقید است. فعل مرکب هم در ظهور خود متناسب با محتوا و نفس عملی که فعل دارد، نمود می‌یابد. این دسته از افعال از ترکیب پایه+همکرد ساخته می‌شوند و در این میان گاه همکردهای فعلی مؤثر در تحول معنا هستند و گاه تأثیری ندارد و بالاترین بسامد را در همکرد فعلی «کردن» می‌بینیم. گاه علاوه بر علل محتوایی برای استفاده از فعل مرکب، باید دلایل وزنی شعر و ظرفیت ساختن قافیه و ردیف را با پایه و همکردهای آن افزود. پایه‌های فعلی این افعال هم واژگانی فارسی یا عربی‌اند. سراینده در سراسر منظومهٔ خود به واژگان عربی گرایش و تمایل خود را نشان می‌دهد، اما با توجه به هدفمندی ساختمان فعل‌ها، غلبه با فعل بسیط است، سراینده این گرایش خود را در فعل مرکب نمایان می‌سازد به‌گونه‌ای که 67% از پایه‌های فعلی را واژگانی عربی می‌سازند.

فعل پیشوندی نیز حضور خود را با رعایت تناسب محتوایی به گونه‌ای قابل توجه حفظ کرده است. این افعال با ترکیب با پیشوند خود یا دچار تحول معنایی می‌شوند و یا بدون تغییر معنا ظهور می‌یابند. در این میان «فروپيچیدن» در مدخل‌های دهخدا و سایر مدخل‌ها یافت نشد. از طرفی شبستری هنگامی که بخواهد از عملی سطحی فراتر رود و مخاطب را منطبق با هدف خود به تأمل یا تحرک بیشتر وادارد و یا به ساختار فعل پیشوندی روی می‌آورد.

_____ هدفمندی ساختمان فعل در منظومه عرفانی گلشن راز (180-160) 179

بنابراین در منظومه گلشن راز، سادگی انتقال مفاهیم را گونه فعل‌های ساده، پویایی و تحرک کلام را که ایجادگر انگیزه در مخاطب است، فعل پیشوندی برعهده دارند و پیچیده-ترین ساختار فعلی با فعل مرکب که گرایش سراینده به عربی‌دانی را در پی دارد، نمود می‌یابد؛ اما آنچه از مرکز این جریان خارج نیست، تناسب و هماهنگی موضوع و محتوا با ساختمان فعل است که تابع میزان دشواری نفس عملی فعل و درک هدفمند شبستری برای ارتباط موثر با مخاطب است که روی هم رفته این منظومه را از عرفان نظری به جنبه عملی هم نزدیک می‌سازد. در پایان بحث، برای مقایسه اجمالی، بسامد حضور شکل‌های سه‌گانه ساختمان فعل را در یک جدول نشان می‌دهیم.

فراوانی	فعل ساده	فعل مرکب	فعل پیشوندی
بدون تکرار	67%	19%	14%
با تکرار	88%	7%	5%

کتاب نامه

- احمدی گیوی، حسن. 1380. *دستور تاریخی فعل*. جلد اول. چاپ اول. تهران: انتشارات قطره.
- خوئینی، عصمت. 1389. «نکته‌هایی درباره فعل مرکب» *پژوهش‌های ادب عرفانی*. سال سوم، شماره 14. صص 45-58.
- دادفر، مجید و حمیدرضا سلمانی. 1390. «بررسی دیدگاه باطنی در مورد فعل ساده و فعل مرکب در زبان فارسی». *مطالعات زبانی بلاغی*. سال دوم، شماره 4. صص 79-92.
- رضایتی کیشه‌خاله، محرم و مهدی دیان. 1388. «فعل‌های پیشوندی در آثار منثور فارسی از آغاز تا قرن پنجم» *نامه فرهنگستان*. دوره پنجم، شماره 5. صص 27-50.
- شبستری، شیخ محمود. 1382. *گلشن راز*. تصحیح محمد جاصیان. چاپ دوم. کرمان: انتشارات خدمات فرهنگی کرمان.
- طباطبایی، علاءالدین. 1376. *فعل بسیط و واژه‌سازی*. چاپ اول. تهران: نشر دانشگاهی.
- ، 1381. «فعل بسیط و فعل مرکب در زبان فارسی» *مجله نشر دانش ناپستان*. سال نوزدهم، شماره 2. صص 20-34.
- عقدایی، تورج. 1389. «جمال‌شناسی گلشن راز» و *اسطوره‌شناختی (گوهر گویا)*. دوره ششم، شماره هجدهم. صص 105-138.
- مستقیمی، مهدیه‌السادات. 1386. «تحلیل مسأله معنا در گلشن راز» *اندیشه نوین دینی*. سال سوم، شماره 11. صص 71-99.
- مشکوه الدینی، مهدی. 1391. *دستور زبان فارسی*. چاپ دهم. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ناتل خانلری، پرویز. 1372. *دستور تاریخی زبان فارسی*. به کوشش عفت مستشارنیا. چاپ اول. تهران: توس.
- ، 1377. *دستور زبان فارسی*. چاپ شانزدهم. تهران: توس.